



A Complement to Another Meaning of the Word "āzār" in *Shahnameh* and the Need to Correct Three Verses of This Work

(In memory of Dr. Abolfazl Khatibi)

Mohammadsadeqh Khatami*¹

Received: 27/08/2022
Accepted: 29/01/2023

* Corresponding Author's E-mail:
m.s.khatami92@gmail.com

1. Research background

To the best of the author's understanding, the late Khatibi, in a writing entitled "bar in khastegihā bar āzār chist: Correcting a verse from the story of Rostam and Esfandiar", has referred to another meaning of the word "āzār". He has addressed this word with the meaning of "ointment" and has also discussed the recording of this meaning in the complete Persian language dictionary (See Khatibi, 2021). As mentioned below, the word "āzār" with this meaning, apart from the above verse, has appeared under the story of Kamus-e Kashani and once more under the story of the kingdom of Khosroparviz. However, this issue has not been mentioned in Khatibi's writings.

2. Research Objectives and Questions

The study aims to examine the name of the medicinal herb "āzārchob" and identify the validity of its meaning. Therefore, it tries to answer the following two questions:

1. Why is it necessary to find another meaning of the word "āzār" in *Shahnameh*?

1. PhD Graduate of Persian Language and Literature of Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
<http://www.orcid.org/0000-0003-1261-2920>



2. What semantic categories are the verses from the *Shahnameh* in which the word "āzār" has been mentioned classified into?

3. Discussion

Ferdowsi's *Shahnameh* is an important and well-known text that has had many readers since its composition. In fact, in any era, there have been many versions of it, which have not sometimes remained far from many misreading, as well as deliberate and inadvertent actions of the scribes. Due to the time gap between us and some texts and the changes that have occurred in the Persian language, the pronunciation and/or the meaning of some words in ancient Persian texts have been continuously problematic. In *Shahnameh*, there are many words and combinations in some verses whose ancient meanings are not compatible with current meaning. As a result, the correctors have modernized those words and combinations that appear in the older version based on the later version. In the present paper, the author has put one of these words in *Shahnameh* as his focal issue using a library method and has considered a medicinal herb, namely "āzārchob", to be a dialectal pronunciation of the word "āzār" in three hemistiches of *Shahnameh*. He has also viewed "āzārchob" as another witness in order to infer the meaning of "ointment" for "āzār" in the discussed hemistiches of *Shahnameh*.

4. Conclusion

Based on what has been said, a medicinal plant called "āzārchoob" is a variety of the word "āzār" which is mentioned in the hemistich "bar in khastegihā bar āzār kist". Therefore, "āzārchoob" will be a another evidence of the meaning of "āzār", i.e. "ointment". Therefore, it is necessary to record and correct the word "kist" in the intended hemistich, which appears in some editions of *Shahnameh*, especially in the edition of Khaleghi Mutlaq by considering the meaning of



"āzār" and also according to the recording of some versions of this word in Khaleghi Mutlaq's edition, as "chist". In addition, it is advised to go for the recording and correction of "tan-āzār" and changing it into "bar āzār" in the hemistich "bar in khastegihā tan-āzār chist" in line with the recording of some copies in the print of the Absolute Creator. In the same way, the statement "āzār-e kist" should be corrected to "āzār chist" in the hemistich "bar ān khastegihā bar āzār-e kist", according to the recording of some copies in the print of the Absolute Creator.

References

Khatibi, A. (2021). *Comment: Abolfazl Khatibi's writings in the field of Shahnamehology and Iranology*. Personal website, [Accessed February 2, 2021]. <http://a-khatibi.blogspot.com/2014/05/blog-post_29.html>

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۱۰، شماره ۴۸، بهمن و اسفند ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1401.10.48.1.4

تکمله‌ای بر معنای دیگری از واژه «آزار» در شاهنامه

و ضرورت تصحیح سه مصراع از این اثر

با یاد استاد دکتر ابوالفضل خطیبی

محمدصادق خاتمی*

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹)

چکیده

بر پایه اطلاع نگارنده، شاهنامه‌پژوهان از معنای دیگری از واژه «آزار» در مصراع «برین خستگی‌ها بر آزار کیست»، سخن گفته و «آزار» را به «نوعی داروی سوزاننده یا مرهم که بر روی زخم می‌مالیده‌اند»، معنا کرده‌اند. نویسنده در مقاله حاضر، از رهگذر گیاهی دارویی با نام «آزارچوب» که در استان فارس به کرات از ریشه آن به‌عنوان تسکین‌دهنده درد ناشی از کوفتگی، ضرب‌دیدگی یا شکستگی استفاده می‌شود، «آزارچوب» را تلفظی گویشی از واژه «آزار» در مصراع مورد بحث از شاهنامه دانسته و «آزارچوب» را به‌عنوان شاهی دیگر بر معنای «آزار» به «مرهم» در این مصراع از شاهنامه دانسته است. بنابراین بایسته است ضبط کلمه «کیست» در مصراع مورد بحث نیز، که در برخی از چاپ‌های شاهنامه به‌ویژه چاپ استاد خالقی مطلق آمده است، با نظر به معنای «آزار» و نیز مطابق با ضبط برخی از نسخه‌بدل‌های

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

*m.s.khatami92@gmail.com

<http://www.orcid.org/0000-0003-1261-2920>

این کلمه در چاپ خالقی مطلق، به صورت «چیست»، تصحیح و ضبط شود، افزون بر این که بایسته است ضبط «تن آزار» در مصراع «برین خستگی ها تن آزار چیست»، مطابق با ضبط برخی از نسخه بدل ها در چاپ خالقی مطلق به صورت «بر آزار» تصحیح و ضبط شود و نیز گزاره «آزار چیست» در مصراع «بر آن خستگی ها بر آزار چیست»، مطابق با ضبط برخی از نسخه بدل ها در چاپ خالقی مطلق، به «آزار چیست»، تصحیح شود.

واژه های کلیدی: شاهنامه، آزار، گیاه دارویی، آزارچوب، مرهم، تصحیح.

۱. مقدمه

شاهنامه فردوسی متن مهم و مشهوری است که از زمان سرایش، خوانندگان بسیار داشته است، به طوری که در هر دوره ای، از آن، نسخه و یا نسخ زیادی وجود دارد که بعضاً از بدخوانی های فراوان و نیز تصرفات عمدی و سهوی کاتبان به دور نمانده است. تلفظ و یا معنای برخی از واژه ها در متون کهن فارسی، به دلیل فاصله زمانی ما نسبت به آن متون و تغییرات و تحولاتی که در زبان فارسی رخ داده، پیوسته مسئله انگیز بوده است. در شاهنامه نیز واژه ها و ترکیبات بسیاری در برخی از ابیات آمده است که معنای کهن آن ها با معنای امروزی سازوار نیست. در نتیجه، مصححان، آن لغات و ترکیبات را که در نسخ کهن تر آمده، براساس نسخ متأخرتر، امروزی کرده اند. نگارنده در مقاله حاضر یکی از این گونه واژه ها در شاهنامه را مسئله کانونی خود قرار داده و کوشیده است نام یک گیاه دارویی را به عنوان شاهی بر معنایی تازه از یک واژه در شاهنامه ارائه کند.

۲. پیشینه تحقیق

برپایه اطلاع نویسنده، زنده یاد خطیبی در نوشته ای با عنوان «برین خستگی ها بر آزار چیست: تصحیح بیتی از داستان رستم و اسفندیار»، به معنای دیگری از واژه «آزار»،

تکمله‌ای بر معنای دیگری از واژه «آزار» در شاهنامه... محمدصادق خاتمی

اشاره، و آن را به «مرهم» معنا کرده و نیز از ضبط این معنی در فرهنگ جامع زبان فارسی سخن گفته است (رک: خطیبی، ۱۴۰۰). گرچه چنان‌که در ادامه آمده است، واژه «آزار» با این معنا، جدای از بیت فوق، ذیل داستان کاموس گشانی و بار دیگر ذیل پادشاهی خسرو پرویز آمده، حال آن‌که در نوشتار خطیبی به این موضوع اشاره‌ای نشده است.

۳. بحث و بررسی

در داستان رستم و اسفندیار، پس از آن‌که رستم از تیرهای پی‌درپی اسفندیار، سخت زخم برمی‌دارد و از ادامه جنگ ناتوان می‌شود، برادرش، زواره، به بالین او می‌آید و رستم:

«بدو گفت: رو پیشِ دستانِ بگوی کزین دوده‌سام شد رنگ و بوی!
نگه کن که تا چاره کار چیست برین خستگی‌ها بر آزار کیست»
(فردوسی، ۱۳۷۵/۱۹۹۷م، ج. ۵، صص. ۳۸۸ - ۳۸۹)

چنان‌که پیداست، معنای مصراع دوم از بیت اخیر روشن نیست و شارحان نیز کم‌تر این مصراع را معنا کرده‌اند^۱ و یا معنایی دور از ذهن ارائه داده‌اند^۲، افزون‌بر این‌که برخی از محققان به تصحیح قیاسی روی آورده‌اند؛ مانند مالمیر (۱۳۹۸، صص. ۲۲۸ - ۲۳۰) که «بر آزار» را به «دبیدار» تصحیح قیاسی کرده است.

در فرهنگ جامع زبان فارسی، «آزار» به «نوعی داروی سوزاننده یا مرهم که بر روی زخم می‌مالیده‌اند» (صادقی، ۱۳۹۲، ذیل «آزار»)، معنا شده و بیت زیر از دانشنامه میسری (پایان تألیف: ۳۷۰ ق):

«که آب از خایگانِ او برون آر به نیش و، گر برو اندای آزار»
(حکیم میسری، ۱۳۶۶، ص. ۱۷۰)

و نیز مصراع «برین خستگی‌ها بر آزار کیست» (فردوسی، ۱۳۷۵/۱۹۹۷م، ج. ۵/صص. ۳۸۸ - ۳۸۹)، به عنوان شواهدی بر این معنا آمده‌اند. مصحح دانشنامه میسری در پانوش، «آزار انداییدن» را به «داروهای تیز و اذیت‌رساننده مالیدن» (حکیم میسری، ۱۳۶۶، ص. ۱۷۰)، معنا کرده، افزون بر این که چنان که گفته شد، «آزار» در فرهنگ جامع زبان فارسی نیز به عنوان «نوعی داروی سوزاننده» (علی اشرف صادقی، ۱۳۹۲، ذیل «آزار») معنا شده است؛ گرچه به نظر نگارنده با توجه به معنای «آزار» که در ادامه خواهد آمد، نباید از واژه «آزار» و یا مصدر «آزار انداییدن» در دانشنامه میسری، معنایی منفی برداشت شود، بلکه لغت «آزار» و یا مصدر «آزار انداییدن»، ضد آزار و ناراحتی ناشی از درد هستند، نه این که خود باعث آزار و ناراحتی در فرد بیمار شوند.

۱-۳. گیاه دارویی آزارچوب

به گفته محققان، گیاه آزارچوب (رک: تصویر) با نام علمی «Solenanthus circinnatus» گیاهی از «تیره گاوزبان Boraginaceae» است. طول آن حدود ۸۵ - ۸۰ سانتی متر و قطر ریشه آن ۲ سانتی متر است ... در استان فارس به کرات از ریشه این گیاه به عنوان داروی ضد التهابی در درمان شکستگی‌ها و کوفتگی‌ها استفاده می‌شود» (رنجبر، ۱۳۸۷، ص. ۳۵۰).

به باور برخی از محققان که از این گیاه دارویی، به صورت آزارکُش (Āzārkoš) نیز یاد کرده‌اند (رک: امراللهی جلال‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۳۸۴)، ریشه آزارچوب که تنها اندام مورد استفاده این گیاه است،

از سطح زمین بالا می‌آید که بومیان آن را جدا کرده و به دو صورت عمل می‌کنند. عله‌ای آن را خشک نمی‌کنند و آن را بعد از جدا کردن، شست‌وشو داده و سپس پوست‌های اضافی روی ریشه را جدا می‌کنند. سپس ریشه را جوشانده و شیره آن

تکمله‌ای بر معنای دیگری از واژه «آزار» در شاهنامه... محمدصادق خاتمی

را می‌گیرند و روی محلّ شکستگی دست یا پا قرار می‌دهند. در حالت دیگر مصرف، بعد از این‌که ریشه را جدا نمودند، آن را جهت خشک کردن، در داخل پارچه گذاشته و در سایه قرار می‌دهند. پس از آن‌که خشک شد، آن را می‌کوبند و به صورت ضماد با مواد دیگری چون خرما، روغن گوسفند و آپشن مخلوط کرده و روی شکستگی قرار می‌دهند، تا آزار و درد محلّ شکستگی را کاهش داده و منجر به کاهش تورّم شود (همان، ص. ۳۸۵).

برپایه اطلاع نگارنده، در طبّ سنتی ایران و به‌ویژه در استان فارس، از ریشه گیاه آزارچوب که از جمله گیاهان دارویی است که دارای اثرات ضدّ دردی در طبّ سنتی است (رک: نصری، ۱۳۹۱، ص. ۲۹۷)، به‌عنوان تسکین‌دهنده درد ناشی از کوفتگی، ضرب‌دیدگی، دررفتگی، شکستگی، درد مفاصل، آزار دیدن رگ‌ها و مویرگ‌ها استفاده می‌شود (رک: آل ابراهیم، ۱۴۰۱، ص. ۵۹). گویا نام‌گذاری این گیاه دارویی به آزارچوب نیز به این دلیل است که «درد و آزار عضو صدمه‌دیده را تسکین می‌دهد» (حکمت، ۱۳۹۳، ج. ۱/ص. ۱۶). به باور پژوهشگران، آزارچوب گیاه بومی شهرستان استهبان است (رک: رنجبر، ۱۳۸۸، ص. ۶۶۱؛ حکمت، ۱۳۹۳، ج. ۱/ص. ۱۶) که در ۱۸۵ کیلومتری شرق فارس قرار دارد و مردم این شهرستان، نام آزارچوب را به‌صورت «آزارچو» تلفّظ می‌کنند، چنان‌که در بیتی از اشعار محلی شاعری از این شهرستان نیز آمده است:

«پَر سیاووش، پُداَنه، با مالنگو چار جوهر، گُلِ ختمی، آزارچو»

(وفادار، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۶)

افزون‌بر این‌که در گویش شهرستان استهبان، به این گیاه دارویی، «آزار چووه (â[a]zâr/čuwæ)» نیز گویند، که تلفّظی گویشی از «آزارچوبه» است (رک: حکمت، ۱۳۹۳، ج. ۱/ص. ۱۶)، چنان‌که گیاه دارویی «چوبازار» نیز به همین معنا در لغت‌نامه

به عنوان واژه‌ای در تداول مردم بم و «قسمی گیاه طبّی که شکسته را بدان بندند» (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل «چوبازار»)، آمده است و چنان‌که می‌بینیم، «چوبازار [چوب‌آزار/ چوب‌آزار]» نیز گونه‌ای از تلفظی گویشی از «آزار چوب» در آن منطقه است. در شهرستان استهبان

اگر در دست یا پای شخصی بر اثر ضربه دیدن، دررفتگی ایجاد شود، بیتال [beytāl]^۴ ابتدا موضع شکسته شده را در آب گرم و نمک مالش می‌دهد و سپس آن را محکم جا می‌اندازد. برای برطرف کردن درد حاصل از آن، مقداری ریشه مک با روغن خوب روی موضع قرار می‌دهند و یا مقداری سفیده تخم مرغ، روناسک و آزارچوب روی آن می‌گذارند (ثابت‌قدم، ۱۳۹۰، ص. ۵۸).

افزون‌بر این‌که گاهی هم «برای درمان درد ضربه دیدن و کوفتگی مقداری آرد گندم، نمک و آزارچوب روی آن می‌گذارند» (همان). همچنین گاه «کوبیده ریشه این گیاه را بر روی پارچه‌ای پهن می‌کنند و همین که کمی آب بر آن پاشند، حالت چسبندگی پیدا می‌کند. این پارچه حاوی پودر را بر روی اندامی که استخوان آن در رفته یا شکسته و یا ضربه دیده باشد، می‌گذارند، درد تسکین می‌یابد» (حکمت، ۱۳۹۳، ج. ۱/ص. ۱۷).

۲-۳. ضرورت تصحیح کلمه «کیست» در مصراع «برین خستگی‌ها بر آزار کیست» با توجه به آنچه گفته شد، بی‌شک باید کلمه «کیست» در مصراع مذکور، به «چیست» تصحیح شود، زیرا از میان نسخه‌های مورد استفاده استاد خالقی مطلق در تصحیح دفتر پنجم شاهنامه، در دو نسخه از دست‌نویس‌های اصلی مورد استفاده ایشان، یعنی «ک (مورخ ۷۵۲ ق)» و «س^۲ (مورخ ۹۰۳ ق)» و نیز پنج نسخه از دست‌نویس‌های غیر اصلی مورد استفاده ایشان، یعنی «لن (مورخ ۷۳۳ ق)»، «ق^۲ (مورخ ۷۹۶ ق)»، «پ (مورخ ۸۴۴ ق)»، «و (مورخ ۸۴۸ ق)» و «لن^۲ (مورخ ۸۴۹ ق)»، این کلمه به صورت

تکمله‌ای بر معنای دیگری از واژه «آزار» در شاهنامه... محمدصادق خاتمی

«چیست» ضبط شده است (رک: فردوسی، ۱۳۷۵/۱۹۹۷م، ج. ۵/ص. ۳۸۹)، افزون‌بر این‌که برخی از شارحان شاهنامه مانند جوینی (۱۳۷۴، ص. ۱۲۵)، شمیسا (۱۳۷۶، ص. ۲۴۱)، شعار و انوری (۱۳۸۲، ص. ۱۹۸) و کزازی (۱۳۹۱، ج. ۶/ص. ۱۹۲) نیز این مصراع را با ضبط «برین خستگی‌ها بر آزار چیست»، معنا کرده‌اند.

۳-۳. ضرورت تصحیح «تن آزار» در مصراع «برین خستگی‌ها تن آزار چیست»

واژه «آزار» با معنایی که گفته شد، ذیل داستان کاموس گشانی و کشته شدن اشکبوس به دست رستم نیز بدین گونه آمده است:

«چنین گفت کامروز رزمی بزرگ برفت و پدید آمد از میش گرگ
ببیند تا چاره کار چیست برین خستگی‌ها تن آزار چیست»
(فردوسی، ۱۳۷۱/۱۹۹۲م، ج. ۳/ص. ۱۸۶)

با نظر به آنچه گفته شد، بی‌شک باید ترکیب «تن آزار» در مصراع اخیر نیز مطابق با ضبط نسخه‌هایی که در ادامه آمده است، به «بر آزار» تصحیح شود، زیرا از میان نسخه‌های مورد استفاده استاد خالقی مطلق در تصحیح دفتر سوم شاهنامه، در سه نسخه از دست‌نویس‌های اصلی مورد استفاده ایشان، یعنی «ل (مورخ ۶۷۵ ق)»، «ل^۲ (مورخ ۸۹۱ ق)» و «س^۲ (مورخ ۹۰۳ ق)» و نیز شش نسخه از دست‌نویس‌های غیر اصلی مورد استفاده ایشان، یعنی «لن (مورخ ۷۳۳ ق)»، «لی (مورخ ۸۴۰ ق)»، «پ (مورخ ۸۴۴ ق)»، «و (مورخ ۸۴۸ ق)»، «لن^۲ (مورخ ۸۴۹ ق)» و «آ (مورخ ۸۵۲ ق)»، «تن آزار» به صورت «بر آزار»^۵ ضبط شده است. گرچه در میان نسخ فوق، کلمه «چیست» در پایان مصراع مذکور، تنها در دو دست‌نویس «ل» و «پ» آمده و در دیگر نسخه‌ها به صورت «کیست»، ضبط شده (رک: همان)، با این همه، استاد خالقی مطلق ضبط نسخ فوق را نادیده گرفته و این مصراع را تنها مطابق با ضبط نسخه «ف (مورخ ۶۱۴ ق)» به متن آورده است.

۴-۳. ضرورت تصحیح «آزارِ کیست» در مصراع «بر آن خستگی‌ها بر آزارِ کیست»

واژه «آزار» را با معنایی که گفته شد، بار دیگر ذیل پادشاهی خسرو پرویز نیز بدین گونه می‌یابیم:

«کنون من به سال از شما کهترم به رای جوانی جهان نسپرم
بگویند تا چاره کار چیست؟ بر آن خستگی‌ها بر آزارِ کیست؟»
(فردوسی، ۱۳۸۶، ج. ۸/ص. ۹)

بی‌شک باید گزاره «آزارِ کیست» در مصراع اخیر نیز مطابق با ضبط نسخه‌هایی که در ادامه آمده است، به «آزارِ چیست»، تصحیح شود، زیرا از میان نسخه‌های مورد استفاده استاد خالقی مطلق در تصحیح دفتر هشتم شاهنامه، در یک نسخه از دست‌نویس‌های اصلی مورد استفاده ایشان، یعنی «ک (مورخ ۷۵۲ ق)»، و نیز در پنج نسخه از دست‌نویس‌های غیر اصلی مورد استفاده ایشان، یعنی «لن (مورخ ۷۳۳ ق)» و «ق^۲ (مورخ ۷۹۶ ق)»، «پ (مورخ ۸۴۴ ق)»، «و (مورخ ۸۴۸ ق)» و «لن^۲ (مورخ ۸۴۹ ق)»، ضبط «چیست»، آمده است. با این همه، استاد خالقی مطلق ضبط نسخ فوق را نادیده گرفته و ضبط «کیست» را مطابق با چهار نسخه «ل (مورخ ۶۷۵ ق)»، «س (مورخ ۷۳۱ ق)»، «ق (مورخ ۷۴۱ ق)» و «ل^۲ (مورخ ۸۹۱ ق)» که در شمار دست‌نویس‌های اصلی چاپ ایشان است و نیز چهار نسخه «لی (مورخ ۸۴۰ ق)»، «ل^۳ (مورخ ۸۴۱ ق)»، «آ (مورخ ۸۵۲ ق)» و «ب (مورخ ۸۹۴ ق)»، که در شمار دست‌نویس‌های غیر اصلی در چاپ ایشان است، به متن آورده‌اند، افزون‌بر این‌که واژه «آزار» نیز با حرکت کسره آمده است، حال آن‌که باید حرف «ر» در «آزار»، به صورت ساکن خوانده شود، مانند برخی از شارحان شاهنامه مانند کزازی (۱۳۹۰، ج. ۹/ص. ۱۷) که این مصراع را با ضبط «برین خستگی‌ها بر، آزار چیست!» معنا کرده‌اند.

۴. نتیجه

بر پایه آنچه گفته شد، به باور راقم این سطور، گیاهی دارویی با نام «آزارچوب»، تلفظی گویشی از واژه «آزار» است که در مصراع «برین خستگی‌ها بر آزار کیست»، آمده است. بنابراین «آزارچوب» به عنوان شاهی به معنای دیگری از واژه «آزار»، یعنی «مرهم» خواهد بود. پس بایسته است ضبط کلمه «کیست» در مصراع مورد بحث نیز که در برخی از چاپ‌های شاهنامه به‌ویژه چاپ استاد خالقی مطلق آمده است، با نظر به معنای واژه «آزار» و نیز مطابق با ضبط برخی از نسخه‌بدل‌های این کلمه در چاپ خالقی مطلق، به صورت «چیست»، تصحیح و ضبط شود، افزون بر این که بایسته است ضبط «تن آزار» در مصراع «برین خستگی‌ها تن آزار چیست»، مطابق با ضبط برخی از نسخه‌بدل‌ها در چاپ خالقی مطلق به صورت «بر آزار» تصحیح و ضبط شود و نیز گزاره «آزار کیست» در مصراع «بر آن خستگی‌ها بر آزار کیست»، مطابق با ضبط برخی از نسخه‌بدل‌ها در چاپ خالقی مطلق، به «آزار چیست»، تصحیح شود.



تصویر ۱: آزارچوب

Figure 1: *Solenanthus circinnatus*

پی‌نوشت‌ها

۱. برای نمونه، رک: شعار و انوری، ۱۳۸۲، ص. ۲۰۱.
۲. برای نمونه، رک: انوری، ۱۳۷۱، ص. ۱۵۶؛ جوینی، ۱۳۷۴، ص. ۱۲۵؛ شمیسا، ۱۳۷۶، ص. ۲۴۱.
۳. در کتاب تاریخ و جغرافیای استهبان از نام دیگر این واژه به صورت «سیاه دره» نیز یاد شده است (رک: آل ابراهیم، ۱۳۹۳، ص. ۳۲).
۴. تلفظی گویشی از واژه «بیطار» به معنای دامپزشک. گفتنی است «بیطال» صورت املایی صحیح این واژه در گویش استهبان است، چنان که در بیتی از اشعار محلی شاعری از استهبان نیز آمده است: «بیطال محله اومد وردی شه خوند/ با دوا، مِش دوستودی چسبند» (حکمت، ۱۳۸۴، ص. ۳۰۲).
۵. گفتنی است ضبط نسخه «آ (مورخ ۸۵۲ ق)» بدین گونه است: پرآزار.

قدردانی

نگارش این مقاله بدون راهنمایی‌های ارزشمند استاد ارجمند دکتر سجاد آیدنلو میسر نمی‌شد. سپاسگزار و مرهون دانش، بینش و دقت نظر ایشانم.

منابع

- آل ابراهیم، م. ر. (۱۳۹۳). تاریخ و جغرافیای استهبان. استهبان: سته‌بان.
- آل ابراهیم، م. ر. (۱۴۰۱). پیشینه پزشکی در استهبان. استهبان: سته‌بان.
- امراللهی جلال آبادی، امیررضا، فروزه، م. ر.، بارانی، ح.، و یگانه، ح. (۱۳۹۹). مطالعه دانش بومی گیاهان مورد استفاده بهره‌برداران در مراتع گوغر بافت استان کرمان. دانش‌های بومی ایران، ۱۴، ۳۶۹-۴۲۴.
- انوری، ح. (۱۳۷۱). داستان رستم و اسفندیار (نظم ۲ بخش ۲). تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ثابت‌قدم، م. (۱۳۹۰). استهبان. پیام بهارستان (ویژه‌نامه طب سنتی)، ۱۴، ۵۳-۶۳.
- جوینی، ع. (۱۳۷۴). نبرد اندیشه‌ها در حماسه رستم و اسفندیار از دست‌نویس موزه لنینگراد

تکمله‌ای بر معنای دیگری از واژه «آزار» در شاهنامه... محمدصادق خاتمی

(۷۳۳): تحلیل داستان و شرح ابیات. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

حکمت، علی (۱۳۸۴). *و اما بعد...* . قم: دارالفکر.

حکمت، ع. (۱۳۹۳). *فرهنگ نامه استهبان (واژگان، ترکیب‌ها و تمثیل‌ها)*. ج ۱. تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.

حکیم میسری (۱۳۶۶). *دانشنامه در علم پزشکی: کهن‌ترین مجموعه طبّی به شعر فارسی*. به اهتمام ب. زنجانی. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل با همکاری دانشگاه تهران.

خطیبی، ا. (۱۴۰۰). *سخن: نوشته‌های ابوالفضل خطیبی در زمینه شاهنامه‌شناسی و ایران‌شناسی*. تارنمای شخصی، [دسترسی ۲ اسفند ۱۴۰۰].

<http://a-khatibi.blogspot.com/2014/05/blog-post_29.html>

دهخدا، ع. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

رنجبر، ا. (۱۳۸۷). بررسی اثر عصاره هیدروالکلی آزارچوب *Solananthus circinnatus* بر التهاب حاد ایجادشده توسط کاراگینان در موش صحرایی نر. *مجله دانشکده پزشکی اصفهان*، ۹۱، ۳۴۹-۳۵۳.

رنجبر، ا. (۱۳۸۸). اثر ضد دردی عصاره هیدروالکلی آزارچوب *Solananthus circinnatus* در موش صحرایی نر. *مجله دانشکده پزشکی اصفهان*، ۱۰۱، ۶۶۰-۶۶۸. شعار، ج.، و انوری، ح. (۱۳۸۲). *رزم‌نامه رستم و اسفندیار*. تهران: قطره. شمیسا، س. (۱۳۷۶). *طرح اصلی داستان رستم و اسفندیار (همراه با مباحثی در آیین مهر)*. تهران: میترا.

صادقی، ع. (۱۳۹۲). *فرهنگ جامع زبان فارسی*. ج ۱ (حرف آ). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

فردوسی، ا. (۱۳۷۱/۱۹۹۲م). *شاهنامه*. به کوشش جلال خالقی مطلق. دفتر سوم. کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا: بنیاد میراث ایران.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۱۰، شماره ۴۸، بهمن و اسفند ۱۴۰۱

فردوسی، ا. (۱۳۷۵/۱۹۹۷م). شاهنامه. به کوشش ج. خالقی مطلق. دفتر پنجم. کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا: انتشارات مزدا با همکاری بنیاد میراث ایران.

فردوسی، ا. (۱۳۸۶). شاهنامه. به کوشش ج. خالقی مطلق. دفتر هشتم. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).

کزازی، ج. (۱۳۹۱). نامه باستان: ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی. ج ۶ (از پادشاهی لهراسپ تا پادشاهی دارای داراب)، تهران: سمت.

کزازی، ج. (۱۳۹۰). نامه باستان: ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی. ج ۹ (از پادشاهی خسرو پرویز تا پادشاهی یزدگرد)، تهران: سمت.

مالمیر، ت. (۱۳۹۸). نقد درسنامه های رستم و اسفندیار در شرح تعبیر و لغات. ادبیات پارسی معاصر، ۱، ۲۱۳ - ۲۳۲.

نصری، س. (۱۳۹۱). مروری بر کاربرد ضدّ دزدی گیاهان دارویی در ایران. طب سنتی/اسلام و ایران، ۳، ۲۹۳ - ۳۱۰.

وفادار، ا. (۱۳۸۸). اشعار وفادار. به کوشش م. ر. آل ابراهیم. استهبان: سته‌بان.

Referenes

- Al Ebrahim, M. R. (2014). *History and geography of Estahban*. Setahban.
- Al Ebrahim, M. R. (2022). *Medical background in Estahban*. Setahban.
- Amrollahi Jalalabadi, A., et al. (2021). Study about Indigenous knowledge of plants in Goghar Baft rangelands, Kerman province. *Indigenous Knowledge*, 14, 369-242.
- Anvari, H. (1992). *The story of Rostam and Esfandiar (order 2 part 2)*. Payam Noor University Printing and Publishing Center.
- Dehkhoda, A. (1998). *Dictionary*. Publishing and Printing Institute of Tehran University.
- Ferdowsi, A. (1992). *Shahnameh* (edited by Jalal Khaleghi Motlagh) (vol. 3) Iran Heritage Foundation.
- Ferdowsi, A. (1997). *Shahnameh* (edited by Jalal Khaleghi Motlagh) (vol. 5). Mazda Publications in cooperation with Iran Heritage Foundation.
- Ferdowsi, A. (2007). *Shahnameh* (edited by Jalal Khaleghi Motlagh) (vol.

- 8). Great Islamic Encyclopedia Center (Iranian and Islamic Research Center).
- Hakim Meysari. (1987). *Encyclopaedia of medical science: the oldest medical collection in Persian poetry*. Institute of Islamic Studies of McGill University in collaboration with University of Tehran.
- Hekmat, A. (2005). *And but next*. Darolfekr.
- Hekmat, A. (2014). *Estehban dictionary (vocabulary, combinations and similes)*. Culture and Art Entrepreneurs Cooperative Company.
- Joveini, A. (1988). *The battle of ideas in Rostam and Esfandiar's epic from the manuscript of the Leningrad Museum (733): analysis of the story and description of the verses*. Publishing and Printing Institute of Tehran University.
- Kazzazi, J. (2011). *Ancient Name: Editing and report of Ferdowsi's Shahnameh*. Volume 9 (from the kingdom of Khosroparviz to the kingdom of Yazdgerd). Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (SAMT), Center for Research and Development of Humanities.
- Kazzazi, J. (2012). *Ancient Name: Editing and report of Ferdowsi's Shahnameh*. Volume 6 (from the kingdom of Lohrasp to the kingdom of Daray-e Darab), Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (SAMT), Center for Research and Development of Humanities.
- Khatibi, A. (2021). *Comment: Abolfazl Khatibi's writings in the field of Shahnamehology and Iranology*. Personal website, [Accessed February 2, 2021]. <http://a-khatibi.blogspot.com/2014/05/blog-post_29.html>
- Malmir, T. (2019). Criticism of Rostam and Esfandiar's textbooks in the explanation of meanings and words. *Contemporary Persian Literature*, 1, 213-232.
- Nasri, S. (2012). A review of the antinociceptive use of medicinal plants in Iran. *Islamic and Iranian Traditional Medicine*, 3, 293-310.
- Ranjbar, A. (2008). Investigating the effect of *Solenanthus circinnatus* hydroalcoholic extract on acute inflammation caused by carrageenan in male rats. *Journal of Isfahan Medical School*, 91, 349-353.
- Ranjbar, A. (2009). Analgesic effect of *Solenanthus circinnatus* hydroalcoholic extract in male rats. *Journal of Isfahan Medical School*, 101, 660-668.
- Sabetghadam, M. (2011). *Estahban. Payam-e Baharestan (Traditional*

Medicine Special), 14, 53-63.

Sadeghi, A. (2013). *A comprehensive dictionary of the Persian language, Volume 1 (letter A)*. The Cultural Center of Persian Language and Literature.

Shamisa, S. (1997). *The main plot of the story of Rostam and Esfandiar (along with discussions on the Mehr ritual)*. Mitra publication.

Shoar, J., & Anvari, H. (2003). *Rostam and Esfandiar's memoirs*. Nashre Ghatreh.

Vafadar, A. (2009). *Vafadar poems*. Setahban.